

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مبحث نماز

قرائت

در ادامه‌ی مبحث نماز به مقارنات نماز رسیده بودیم. در بحث مقارنات نماز هم به قرائت سوره‌ی حمد و سوره‌ی پس از آن رسیدیم. طی چند جلسه نکاتی را در باب آداب قرائت خدمت عزیزان عرض کردیم. جلسه‌ی قبل از یک منظر جدید به این بحث وارد شدیم و گفتیم نخستین ادب قرائت این است که انسان با قرآن به بزرگی رفتار کند؛ قرآن را بزرگ تلقی کند؛ با قرآن با عظمت روبرو شود. گفتیم عظمت قرآن به لحاظ‌های مختلفی است. یکی عظمت متکلم و مؤلف آن است. اهمیت و عظمت هر کتاب به یک لحاظ به خاطر آن است که مؤلفش شخصیت عظیمی است. اعظم مؤلفین عالم، اعظم متکلمین عالم، مؤلف و گوینده‌ی مطالب قرآن است. خدای متعال مؤلف این کتاب و متکلم این کلام الهی است. پس به یک لحاظ قرآن به خاطر این عظیم است که کلام الله است.

به لحاظ دوم، عظمت یک کتاب ناشی از محتویات آن و اهداف و مقاصدی است که در پی آن است. هدف اصلی قرآن کریم این است که انسان را از اسارت عالم طبیعت و ظلمت عالم کثرت برهاند و به اوج قلّه‌ی توحید و لقاء الهی نائل کند. این مقصد عظمای قرآن کریم است. و قرآن

آنچه را که لازمه‌ی طیّ این مسیر و نیل به این مقصود است، بیان کرده است. قرآن کتاب دعوتِ به سعادت است؛ قرآن کتاب نیل به کمال و بیان نحوه‌ی نیل به این مقصد است. در مسیر این مقصود، به لحاظ‌های مختلف می‌توان به قرآن توجه کرد.

یکی از مقاصد مهمّ قرآن دعوت به معرفه‌ی الله و بیان معارف الهیّه است؛ آن هم از همه‌ی جنبه‌هایش، شئون ذاتیّه و اسمائیّه و صفاتیّه و افعالیّه‌ی حقّ متعال، این به یک لحاظ.

مقصد دیگر قرآن دعوت به تهذیب و تزکیه‌ی نفس است. قرآن راه خودسازی و تهذیب را به انسان نشان داده است و او را به گام برداشتن در این مسیر تشویق کرده است.

سومین امری که در این زمینه در مطالب قرآن قابل توجه است، داستان انبیای الهی و اولیاء و بزرگ‌مردان وادی توحید است که در قرآن کریم آمده است. در داستان انبیاء به قدری معارف عمیق و عظیم وجود دارد که غیر قابل تصوّر است؛ اگر حقّ آنها ادا شود، آشکار می‌شود که چه مدرسه‌ی عظیمی برای کسب معرفت و نیل به اوج قلّه‌های کمال انسانی است.

چهارمین مطلب، نقطه‌ی مقابل آن، یعنی مواردی است که قرآن کریم احوال کافران، منافقان، معاندان، مشرکان و دشمنان حقّ و حقیقت، دشمنان انبیاء و اولیاء الهی، و سرنوشت و سرگذشت آنها که بالأخره چگونه در کیفر رفتار پلیدشان به عذاب و هلاک گرفتار و نابود شدند را بیان کرده است. و گفتیم از جمله‌ی دشمنان حق و حقیقت، ابلیس لعین است و در داستان ابلیس که قرآن کریم در جاهای مختلف، کراراً به آن اشاره کرده است و در هر اشاره‌ای به نکته‌ی جدیدی پرداخته

است، چقدر درس‌های عظیم و عبرت‌آموزی وجود دارد. در خطبه‌ی قاصعه‌ی نهج‌البلاغه^۱ است که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند: از داستان ابلیس عبرت بگیر. ابلیس موجود کوچکی نبود. کسی بود که شش هزار سال بندگی خدا را کرد و بعد خود را به چه سرانجام شومی مبتلا کرد. ماجرای ابلیس که از جمله‌ی معاندان و دشمنان خدای متعال است، قابل تأمل می‌باشد.

این چهار محوری بود که در زمینه‌ی عظمت قرآن به اعتبار محتویات و مقاصد و مطالب، در جلسه‌ی قبل اشاره کرده بودم. سه محور دیگر را هم حالا اشاره کنم.

محور احکام شریعت

یکی از محورها که در مطالب قرآن مدتظر است، بیان احکام شرع است؛ قوانین عملی دین، آداب و سنن الهیه است؛ تکالیف فقهی یک انسان موحد و دلسپرده و سرسپرده‌ی به قرآن و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. همان‌طور که می‌دانید، قرآن کریم در باب احکام الله، آیات زیادی ندارد؛ آیات الاحکام قرآن شاید کمتر از یک دهم آیات قرآن باشد. در قرآن کلیات احکام الهی بیان شده است و جزئیاتش به بیان پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و پس از پیامبر بزرگوار، به ائمه‌ی هدی عَلَيْهِمُ السَّلَام محوّل شده است. رؤس احکام الهی در قرآن آمده است و این خود یک ترفند بزرگ بوده است. چون اگر تمام جزئیات احکام در قرآن آمده بود^۲، افراد با داشتن قرآن از وجود امام احساس بی‌نیازی می‌کردند. خدا مخصوصاً این کار را کرده است تا انسان‌ها ناگزیر شوند سراغ پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بروند؛ ناگزیر

۱. سید رضی، نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۲.

۲. البته اگر می‌خواست تمام جزئیات همه‌ی احکام در قرآن بیاید، دیگر قرآن یک جلد نبود؛ لا اقل باید چهل، پنجاه جلد می‌شد.

شوند سراغ ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام بروند. مخصوصاً مطلب را ناقص گذاشته است. کلیات احکام را در قرآن گفته است؛ در مورد جزئیاتش فرموده است: «ما آتاکم الرسولُ فخذوهُ و ما نهاکم عنهُ فَانتهوا»^۳ آنها را به پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بعد از پیغمبر هم به ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام ارجاع داده است.

مجموعه‌ی قوانین عملی در قرآن کریم خود یک مجموعه‌ی حیرت‌انگیز است. اگر بخواهید احکام حقوقی قرآن را با دقیق‌ترین موازین حقوقی بسنجید، فوق تصور است که چهارده قرن قبل، چنین احکام نورانی‌یی مطرح شده باشد که بزرگ‌ترین حقوقدان‌های عالم در برابر عظمت آن کرنش کرده‌اند. فرصت نیست بگوییم که چه جمعیت‌های عظیمی از حقوقدان‌های دنیا جمع شده‌اند و چه بیانیه‌ای در پایان داده‌اند؛ تمام قوانین عالم در کشورهای مختلف دنیا را بررسی کرده‌اند و بعد چه تجلیلی از نظام حقوقی قرآن کرده‌اند. پس یک جنبه‌ی دیگر محتویات قرآن کریم جنبه‌ی احکام شریعت است.

محور معاد شناسی

ششمین محور از مطالب قرآن کریم بحث از معاد و جهان پس از مرگ است. چه براهین و استدلالات قوی و متینی که در اثبات حیات پس از مرگ قرآن کریم مطرح کرده است و چه توصیفات بسیار گسترده و دقیقی که از مراحل زندگی پس از مرگ، عالم برزخ و پس از برزخ، محشر و رسیدگی به اعمال انسان و بعد دوزخ، بهشت، اعراف و جزئیات جهنم، جزئیات بهشت،

۳. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۷.

جزئیات اعراف و حالات و آنچه در عالم پس از مرگ برای یک انسان پیش خواهد آمد، شده است. قرآن کریم بحث‌های بسیار دقیق و مفصلی در باب معادشناسی دارد.

قرآن در غالب مباحث این‌گونه است که آنچه را برای اکثریت قابل هضم است، بیشتر و صریح‌تر می‌گوید و آنچه را فقط خصیصین و برجستگان می‌توانند هضم کنند، به‌اشاره و بسیار کم می‌گوید. قرآن از آتش دوزخ، عذاب‌های مختلف، طعام‌ها و شکنجه‌ها و سختی‌های دوزخیان زیاد گفته است. اما در یک آیه می‌فرماید؛ «كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَّحْجُوبُونَ»^۴ آنها در آن روز از پروردگارشان محجوبند؛ در حجابند؛ این عظیم‌ترین عذاب است؛ ولی خیلی لطیف و مختصر گفته است. این‌که کسی راه به خدا نداشته باشد؛ از خدا محجوب باشد. یا نقطه‌ی مقابلش چقدر نعمت‌های بهشتی و پاداش‌های بهشتی را به تفصیل بیان کرده است؛ خوراک‌ها، پوشاک‌ها، قصرها و امثال اینها؛ اما خیلی به اشاره فرموده است: «وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ»^۵ یا آیاتی که قرآن کریم در باب لقاء الله و دیدار خدا برای برجستگان از اهل بهشت بیان فرمود. اینها را خیلی به اشاره و اندک فرموده است. چون اینها در حدّ عموم مردم نبود. عموم مردم با همان توصیفات که از عذاب‌های دوزخی و نعمت‌های بهشتی می‌شود، راه می‌افتند و اصلاح می‌شوند. اما قرآن برای برجستگان نکته‌های عمیق‌تری را در باب عالم پس از مرگ بیان فرموده است.

محور استدلالات و احتجاجات

۴. سوره‌ی مطففین، آیه‌ی ۱۵.

۵. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۲.

هفتمین محور هم که از مطالب قرآن قابل تأمل است؛ بحث استدلالات و احتجاجاتی است که چه خود خدای متعال در اثبات حقیقت و بطلان اندیشه‌های باطل بیان فرموده است و چه محاجّه‌ها، احتجاجات و بحث‌هایی را که انبیاء عظام با کفار و مشرکین و منحرفین داشته‌اند، بیان کرده است. خود این هم یک اقیانوس عظیم از معارف الهی است.

به همین هفت محور برای پی بردن به عظمت قرآن از منظر مطالب و محتویات آن بسنده می‌کنیم. پس دومین جنبه‌ای که می‌شود عظمت قرآن را با آن شناخت، مقاصدی است که دنبال می‌کند و مطالبی است که در آن بیان شده است.

سومین محور عظمت قرآن: آورنده‌ی آن

سومین علت عظمت یک کتاب، عظمت کسی است که آن را آورده است. یعنی پیام آور وحی، جبرئیل امین، روح اعظم. چون او حامل این کتاب بوده و این نامه را برای پیغمبر ﷺ آورده است.

یک وقت یک مقام بالای مملکتی نامه‌ای را به یک نامه‌رسان عادی می‌دهد تا برای کسی ببرد. فرض کنید رئیس یک مملکت می‌خواهد نامه‌ای را برای رئیس مملکت دیگری بفرستد؛ یک وقت به سفیر کشورش می‌دهد ببرد؛ یک وقت نامه را به یک وزیر می‌دهد و به او می‌گوید پیام من را برای رئیس آن دولت ببر. خیلی فرق می‌کند. مرتبه و مقام حامل نامه، میزان اهمیت پیام را می‌رساند. این که خدای متعال قرآن کریم را به جبرئیل امین سپرد تا به پیغمبر ﷺ تقدیم کند حکایت از عظمت قرآن دارد. وقتی پیغمبر اکرم ﷺ از پوسته‌ی بشری خارج می‌شدند و

توجهشان به حضرت حق متمرکز و قلبشان به عالم جبروت متصل می‌شد، با جبرئیل مرتبط می‌شدند و جبرئیل پیام‌های وحی را به پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تقدیم می‌کرد. جبرئیل از اعظم ملائکه‌ی الهی است. همه‌ی کتب آسمانی را جبرئیل به انبیاء تقدیم نکرده است. جبرئیل از اعظم ارکانِ عالم وجود است. جبرئیل مَلَكِ مَوْكَلِ بر علم و حکمت است. اوست که غذاهای معنوی را می‌آورد. میکائیل رزق مادی را می‌آورد؛ اما جبرئیل رزق معنوی را می‌آورد؛ معارف الهیه را می‌آورد. اگر بخواهیم متوجه عظمت جبرئیل شویم، باید آیات قرآن را در مورد جبرئیل امین و احادیث بسیار عجیبی را که از پیغمبر اکرم و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در مورد جبرئیل وارد شده است، مرور کنیم. آن وقت می‌فهمیم جبرئیل در دستگاه حق چه عظمتی دارد. از اینجا می‌توان پی برد کتابی که به یک چنین موجود عظیمی سپرده شده است تا نام‌رسان آن شود، چه کتاب عظیمی است.

چهارمین محور عظمت یک کتاب: دریافت کننده‌ی کتاب

چهارمین جنبه‌ای که می‌شود عظمت قرآن را با آن دریافت، عظمت کسی است که این کتاب برای او فرستاده شده است؛ یعنی پیغمبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اعظم مخلوق تاریخ آفرینش، گل سرسبد بوستان خلقت، موجودی که در عالم وجود در اوج قلّه‌ی امکان است، موجودی که به قلّه‌ی «**ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى؛ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى**»^۶ رسیده است، موجودی که به تعبیری که در روایات است، آخرین خشتی است که بنای خلقت را به کمال رسانده است.^۷ حقیقتی که عصاره‌ی همه‌ی کمالات است.

^۶. سوره‌ی نجم، آیه‌های ۸ و ۹.

^۷. ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللالی، ج ۴، ص ۱۲۲ و ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۱، ص ۲۳۱.

کسی که در تمامیت وجودش، ظهور و تجلی همه‌ی صفات حقّ متعال است؛ بزرگ‌ترین مخلوق تاریخ خلقت است. موجودی که بین امکان و وجوب مقام برزخیت کبری دارد. چنین حقیقت عظیمی دریافت کننده‌ی قرآن کریم است. از این منظر هم عظمت قرآن را می‌شود دریافت.

پنجمین محور عظمت یک کتاب: حافظان کتاب

پنجمین جنبه‌ای که توجه به آن هم می‌تواند عظمت قرآن را به ما تفهیم کند، عظمت حافظان و نگهبانان قرآن است. ارزش هر شخصیت یا شیء هر قدر بالاتر باشد، نگهبانی که بر آن می‌گمارند بزرگ‌تر و توانمندتر است. نگهبان قرآن کریم کیست؟ فرمود: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۹ حافظ و نگهبان قرآن کریم، ذات مقدّس احدیت است و لذا به این لحاظ هم عظمت قرآن کریم قابل تأمل است.

ششمین محور عظمت یک کتاب: شارحان و مفسران کتاب

ششمین جنبه‌ای که با توجه به آن می‌توان عظمت قرآن را دریافت، عظمت شارحان و مفسران قرآن است. شارح و مبین قرآن کریم در وهله‌ی اوّل خود رسول ختمی ﷺ است و بعد از ایشان ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام اند. بزرگوارانی که نسخه‌ی دیگری از وجود مقدّس پیغمبر اکرمند. والامقامانی که صاحب مقام جمع و تفصیلند. کسانی که وجود و قلبشان معدن حکمت الهی و

^۹. سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۹.

مهبط ملائكة الله است. کسی عظمت ائمه عليهم السلام را بشناسد؛ با توجه به این که ائمه شارحان و مبینان قرآنند؛ می تواند عظمت قرآن را تصور کند.

هفتمین محور عظمت قرآن: زمان نزول آن

هفتمین محور که از آن رهگذر می شود به عظمت قرآن پی برد، عظمت زمانی است که قرآن در

آن نازل شده است. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^۹ لیلۃ القدر اعظم لیالی است؛ «خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»^{۱۰}

است؛ نورانی ترین زمان ها در عالم ظاهر و در عالم باطن و حقیقت است. خدا توفیق داد یک سال شب قدری خدمت عزیزان بودم و در حدّ فهم کوتاه خود، راجع به حقیقت لیلۃ القدر مفصل صحبت و نکاتی را عرض کردم.

زمانی که قرآن نازل شده است، زمان فوق العاده عظیم و بزرگی است. کتابی که ظرف زمانی نزولش چنین عظیم است، قطعاً عظمت فوق العاده ای دارد. اگر کسی به همین هفت لحاظ که عرض شد، به قرآن توجه کند، بویی از عظمت قرآن را می تواند استشمام کند. و در نتیجه، در تعامل با قرآن، در رفتار با قرآن، در حضور در محضر قرآن، ادب حضور در محضر یک عظیم را مراعات می کند. اولین ادب از آداب قرائت قرآن همین تعظیم و بزرگداشت قرآن است و گفتیم تعظیم قرآن فقط به این نیست که قرآن را بالای طاچه بگذاریم؛ یا خوب جلد کنیم؛ یا رحلی برایش تهیه کنیم؛

^۹. سوره ی قدر، آیه ی ۱.

^{۱۰}. سوره ی قدر، آیه ی ۳.

روی زمین نگذاریم؛ یا با احترام ظاهری قرآن را برداریم و بیوسیم و روی دیدگان بگذاریم. اینها خوب است؛ اما حقیقت تعظیم قرآن را باید جای دیگری جستجو کرد؛ جایی که عظمت قرآن در جانمان ظهور کرده باشد و در مسیر اهداف قرآن هم قدم برداریم. این اولین ادب که ادب تعظیم بود.

ان شاء الله اگر خدا عمری داد، جلسه‌ی آینده به سایر آداب قرائت قرآن می‌پردازیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ